

نقش حسابداری در ارزیابی نگرش رفتاری سرمایه‌گذاران

سیدعلی حسینی^۱، پرویز سعیدی^۲

۱. دانشجوی دکتری گروه حسابداری، واحد علی‌آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی‌آباد کتول، ایران (نویسنده مسئول)

seyedal.hosseini1693@gmail.com

۲. دانشیار گروه حسابداری، واحد علی‌آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی‌آباد کتول، ایران

dr.parvizsaedi@yahoo.com

چکیده

موضوع مالی رفتاری از جمله مباحث جدیدی است که در سه دهه گذشته توسط برخی اندیشمندان مالی مطرح گردیده و به سرعت مورد توجه پژوهشگران و صاحب‌نظران در سراسر دنیا قرار گرفت. به گونه‌ای که امروزه این مباحث موجب شکل‌گیری شاخه مطالعاتی مستقل و دانش مالی گردید. این مقاله به این موضوع می‌پردازد که درک از حسابداری رفتاری، مناسب‌تر برای مطالعات بررسی‌کننده جوانب انسانی در امور مالی دارد. این موضوع مهم است، زیرا تحقیقاتی که بر کاربران اطلاعات مالی و خصوصیات‌شان متمرکز هستند، اغلب فرض می‌کنند که اطلاعات مالی به خودی خود بی‌طرف، بدون جانبداری و بدون ارزش هستند. با این حال، اطلاعاتی که سرمایه‌گذاران و مشارکت‌کنندگان در بازار سرمایه برای اتخاذ تصمیمات اقتصادی به کار می‌گیرند توسط حسابداری تهیه می‌شود که با تفسیر و بکارگیری استانداردهای حسابداری از قضاوت‌های حرفه‌ای‌شان بهره می‌گیرند. این مقاله بر آن است که جایگاه و نقش حسابداری را در مالی رفتاری بیان کند. مقاله حاضر ضمن پرداختن به مالی رفتاری، مواردی چون نیاز مالی رفتاری به نقش استاندارد‌گذاران، نقش تهیه‌کنندگان گزارش مالی، نقش حساب‌برسان مالی و هیئت‌های اجرایی به مالی رفتاری و اثر استانداردهای حسابداری را بر گزارشگری مالی را ارائه می‌نماید.

واژگان کلیدی: امور مالی رفتاری، حسابداری رفتاری، اقتصاد رفتاری، انسان اقتصادی، استانداردهای بین‌المللی گزارش‌دهی مالی.

۱. مقدمه

حسابداری نقش مهمی در بازارهای سرمایه ایفا می‌کند، زیرا گزارش‌های مالی یک سازمان، خلاصه‌ای از نتایج اقتصادی فعالیت‌های تجاری و پردسترس‌ترین منبع اطلاعاتی آن سازمان هستند. سیستم حسابداری یک سازمان مکانیزمی جهت شناسایی و سنجش این فعالیت‌های تجاری ارائه کرده، آن‌ها را در گزارش‌های مالی گردآورده و به اطلاع سهامداران و سایر کاربران اطلاعات اقتصادی می‌رساند. با هدف کاهش اختلافات بین‌المللی در استانداردهای حسابداری، IASB^۱ برای وضع یک سری استانداردهای گزارش‌دهی مالی که به‌طور بین‌المللی قابل استفاده باشند مسئولیت بزرگی بر دوش دارد. در حقیقت، IASB در مقرر کردن استانداردهای بین‌المللی گزارش‌دهی مالی (IFRS^۲) همانند استانداردهای حسابداری مورد قبول عموم به‌واسطه اجازه بیش از ۱۱۵ کشور به استفاده از آن‌ها یا نیازشان به استفاده از این استانداردها به‌منظور گزارش‌دهی مالی، بسیار موفق عمل کرده است. یک فرض احتمالی IASB ممکن است آن باشد که استانداردهای بین‌المللی گزارش‌دهی مالی، عینی، بی‌طرف و بدون ارزش است، زیرا IASB فرض می‌گیرد در صورتی که حسابداران سراسر جهان، IFRS را بکار گیرند گزارش‌های مالی در کشورها قابل مقایسه هستند. با این حال، مقالات حسابداری مدارکی بدیهی ارائه می‌دهند که این موضوع همواره اتفاق نمی‌افتد (مانند دوپنیک و ریشر، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴؛ دوپنیک و تساکومیس، ۲۰۰۴؛ هلمان و همکاران، ۲۰۱۰). نگرانی که این موضوع بوجود می‌آورد این است که ممکن است سهامداران به اشتباه به این باور سوق داده شوند که در عمل، یکنواختی و عینیت بیشتری وجود دارد. این مقاله کوتاه توجه ما را به اهمیت نیاز به رسیدگی کافی به جوانب رفتاری حسابداری از فرآیند شکل‌گیری تا بکارگیری اطلاعات جلب می‌کند. این مسئله به این سبب حائز اهمیت است که تحقیق رفتاری در مورد تصمیمات سرمایه‌گذاری، اغلب تنها بر جوانب انسانی سرمایه‌گذاران و ذی‌نفعان واحد تجاری تمرکز دارد. با این حال، اطلاعاتی که سرمایه‌گذاران و مشارکت‌کنندگان در بازارهای سرمایه برای اتخاذ تصمیمات اقتصادی به کار می‌گیرند توسط حسابدارانی تهیه می‌شوند که با تفسیر و بکارگیری استانداردهای حسابداری از قضاوت‌های حرفه‌ای‌شان بهره می‌گیرند. قابل توجه این که، تهیه و افشای اطلاعات حسابداری عمدتاً به وسیله استانداردهای حسابداری همانند IFRS تعیین می‌شود. این استانداردها به‌وسیله استانداردگذاری در فرآیند سیاسی ایجاد شده و توسط حسابداران تفسیر و بکار گرفته می‌شوند. درنهایت، گزارش‌های مالی باید توسط حسابرسان تفسیر و توسط هیأت‌های اجرایی نظارت شوند. همین‌طور، مسائل رفتاری می‌توانند در این سه بُعد وجود آیند: (۱) استانداردگذاری، (۲) تهیه گزارش‌های مالی و (۳) حسابرسی و اجرا. در بخش باقی‌مانده این مقاله کوتاه، مثال‌های مهمی ارائه می‌شوند که نشان می‌دهند اطلاعات حسابداری از فرآیند شکل‌گیری تا بکارگیری اطلاعات، ذاتاً رفتاری هستند.

۲. مالی رفتاری و دلایل نیاز به آن

حوزه مالی رفتاری عبارت است از مطالعه عامل رفتار سرمایه‌گذاران خصوصاً در بازار سرمایه که بر عوامل روانشناختی تصمیم‌گیری در شرایط عدم اطمینان اثر می‌گذارد. مالی رفتاری و اقتصاد رفتاری در ارتباط نزدیک با یکدیگرند. رفتار

1. International accounting standard board

۲. International financial report standard صادر شده تا سال ۲۰۰۱ استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IAS) نامیده می‌شود. واژه IFRS به معنای هر دو استانداردهای بین‌المللی گزارش‌دهی مالی صادر شده توسط IASB و IAS صادر شده توسط کمیته اسبق استانداردهای بین‌المللی IASB است.

سرمایه‌گذاران که از عوامل مختلفی از جمله ادراک و حس آنان سرچشمه می‌گیرد، بر فرآیند تصمیم‌گیری آنان تأثیر می‌گذارد. بنابراین انتخاب سرمایه‌گذاری، تخصیص منابع پولی، قیمت و بازدهی، تابعی از رفتار سرمایه‌گذاران است. نمونه‌های رفتاری، نظریه‌های کلاسیک اقتصادی و مالی را با نظریه‌های روان‌شناسی ادغام کرده و با دیدگاهی وسیع‌تر، وقایع بازار سرمایه را توضیح می‌دهد (سعیدی، ۱۳۸۶). حوزه اقتصاد و مالی، اکنون وارد دوران فکری جدیدی شده است که برخی مفروضات اقتصاد و مالی متعارف را مورد انتقاد قرار داده است. نظریه‌های حوزه مالی که زاینده تفکر اندیشمندان علم اقتصاد است با سرعت زیادی در حال شکل‌گیری و تکامل است. با اوج‌گیری تفکرات اثبات‌گرایی و تلاش تمامی علوم در راستای تبدیل واقعیت‌ها به نمونه‌های کمی، البته به شکلی افراطی، علوم اجتماعی نیز از این قاعده مستثنی نماندند. البته در علوم دقیق و کمی (که البته ماهیت متغیرها از نوع کمی بود) این روند بسیار موفقیت‌آمیز بود، تا آنجا که پیشرفت علوم بیش از هر زمان دیگری در طول حیات بشر تجربه شد. برای بسیاری از اندیشمندان اقتصاد نیز فرض بر این قرار گرفت که کمی‌گرایی و استفاده از روش‌های عقلایی، پاسخ‌گوی کلیه مسائل موجود و پدیده‌های اقتصادی است. اما بروز تضادهای متعدد منجر به ایجاد نگاهی انتقادی شد که اکنون آن را در روش‌های رفتارگرا شاهد هستیم. حوزه مالی رفتاری در کنار اقتصاد رفتاری، دیدگاه جدیدی را ایجاد کرده و محققان این حوزه‌ها در حال انجام تحقیقات بر اساس این دیدگاه جدید، هستند. در اقتصاد و حوزه مالی رفتاری، نقش رفتار انسان به‌عنوان متغیری اثرگذار بر سایر متغیرهای اقتصادی و مالی که در گذشته در نظر گرفته نمی‌شد، با تأکید بیشتری مطالعه می‌شود. خاطر نشان می‌سازد حوزه مالی رفتاری زیر شاخه‌ای از مالی نیست، بلکه نحوه نگرش جدیدی است که انگاره جدیدی را به تحقیقات و نظریه‌های مالی و اقتصادی افزوده است. به عبارت دیگر به نظریه پردازان مالی و اقتصادی گوشزد می‌کند که در کنار سایر متغیرها، رفتار انسان را نیز در نظر بگیرند (سعیدی، ۱۳۸۶). به اعتقاد تالر (۱۹۹۹)، دیر زمانی نخواهد گذشت که واژه مالی رفتاری از بین خواهد رفت و دیدگاه ایجاد شده به‌عنوان رویکردی فراگیر به جا خواهد ماند. به عبارت دیگر توجه به عامل رفتار انسانی در نظریه‌ها، جز اصول موضوعه وارد خواهد شد و بیان آن، توضیح واضح‌تر خواهد بود. حوزه مالی هم اکنون شاهد ورود روش‌های علوم مختلف است. ریاضیات، آمار، روانشناسی، جامعه‌شناسی، علوم سازمانی و هم‌چنین فیزیک از جمله علمی هستند که به اندیشمندان و محققان مالی یاری رسانده‌اند و روش‌ها و ابزارهای تحقیقاتی خود را برای مطالعات مالی عرضه کرده‌اند. سهم روانشناسی و شاخه‌های مرتبط به آن در حال حاضر بسیار اثر گذاشته است و بیش‌تر به فرآیند تصمیم‌گیری در شرایط مهم تمرکز دارد (تالر، ۱۹۹۹).

۳. ماهیت نگرش رفتاری

بسیاری از نگرش‌هایی که در ایجاد تئوری حسابداری به کار گرفته شده، نسبت به رفتار استفاده‌کننده به‌طور آخص و نسبت به فرضیات رفتاری به‌طور اعم، بی‌توجه بوده‌اند. یکی از محققان حسابداری (دوین) در سال ۱۹۶۰ نظر انتقادی زیر را در این باره مطرح نموده است:

«اکنون هنگام آن است که به عکس‌العمل‌های روانشناختی کسانی که مصرف‌کننده تولیدات حسابداری و یا گرفتار تارهای کنترلی آن هستند، توجه کنیم. با توجه به همه جوانب، معقول است اگر نتیجه گرفته شود که حسابداران از موضوع روابط خود با شبکه روانشناختی فعالیت انسانی آن چنان با خام دستی گذر کرده‌اند که از تصور خارج است. در یک رشته جدیدالتأسیس، خام دستی تا حدود معینی، عذری پذیرفتنی است، اما کوتاهی در شناخت این نکته که بیشتر

آنچه به عنوان تئوری حسابداری پذیرفته می‌شود متأسفانه با فرضیات رفتاری بی‌پایه درهم آمیخته است، نابخشودنی است.»

نگرش رفتاری در فرمول‌بندی تئوری حسابداری، مربوط بودن موارد زیر را با تصمیم‌گیری مورد تأکید قرار می‌دهد: اطلاعاتی که مورد مبادله قرار می‌گیرد (گرایشی که بر رابطه تصمیم - ارتباط تأکید دارد). رفتاری فردی و گروهی ناشی از مبادله اطلاعات (گرایشی که بر تصمیم‌گیرنده تأکید دارد). حسابداری یک رشته کردارگرا به حساب می‌آید و هدف آن این است که کردار (رفتار) را به دو طریق تحت تأثیر قرار دهد:

به‌طور مستقیم از طریق مضمون آگاهی بخش پیام منتقل شده و به‌طور غیرمستقیم از طریق رفتار حسابداران. از آنجا که حسابداری، فرآیندی رفتاری قلمداد می‌شود، نگرش رفتاری در فرمول‌بندی تئوری حسابداری نیز علم رفتاری است و تفاوتی با آن ندارد.

کمیته‌ای که در انجمن حسابداران آمریکا در مورد مواد درسی برنامه آموزش حسابداری کار می‌کند، نظریات زیر را درباره هدف علم رفتاری، که در حسابداری رفتاری نیز قابل اعمال است، ارائه می‌دهد:

«هدف علم رفتاری، فهمیدن، توضیح دادن و پیش‌بینی رفتار انسان است. یعنی بنا نهادن اصول تصمیم‌پذیر درباره رفتار انسان که بر شواهد تجربی متکی باشد. شواهدی که به‌شیوه‌ای غیر شخصی و به کمک روش‌هایی جمع‌آوری شده باشد که بتواند به‌صورتی کاملاً آزادانه مورد بررسی و دفاع قرار گیرد و قابل رسیدگی و تأیید به وسیله دیگر محققان علاقه‌مند باشد.»

علم رفتاری، به این ترتیب مشاهده منظم رفتار انسان را به‌منظور تأیید فرضیه‌های مشخص از طریق آزمایش و به اعتبار تغییرات قابل مشاهده در رفتار، نشان می‌دهد.

نگرش رفتاری در فرمول‌بندی تئوری حسابداری، همانگونه که با مسائل و اطلاعات حسابداری مرتبط است، با رفتار انسان نیز سروکار دارد. در این مفهوم، انتخاب یک تکنیک حسابداری باید با توجه به اهداف و رفتار استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی صورت گیرد.

نگرش رفتاری گرچه مبحث نسبتاً جدیدی است اما اشتیاق و انگیزه تازه‌ای را در تحقیقات حسابداری به‌وجود آورده است. در این تحقیقات، محور توجه بر ساختار رفتاری محیطی قرار دارد که حسابداران در آن کار می‌کنند. این عرصه جدید در زمینه حسابداری، که چند شاخه علمی را دربر می‌گیرد، به‌طور ساده تحت عنوان حسابداری رفتاری شهرت یافته است. هدف اولیه حسابداری رفتاری، توضیح دادن و پیش‌بینی کردن رفتار انسان در تمام مضامین قابل تصور حسابداری است.

مطالعات تحقیقی انجام شده در حسابداری رفتاری از تکنیک‌های آزمایشی، زمینه‌یابی و همبستگی سود جسته است اما بیشتر این مطالعات، تلاش چندانی برای فرمول‌بندی یک چارچوب نظری که بتواند فرضیه‌ها و مسائل مورد آزمون را تأیید کند، به‌عمل نیاورده‌اند. در مقابل، این مطالعات عموماً توجه خود را بر تأثیرات رفتاری اطلاعات حسابداری یا بر مسائل مربوط به پردازش اطلاعات توسط انسان معطوف نموده‌اند. در هر حال، نتایج حاصل از این‌گونه مطالعات ممکن است به درک محیط رفتاری حسابداری بی‌انجامد و از این طریق در فرمول‌بندی تئوری حسابداری به‌عنوان یک راهنما به کار رود (مکرمی، ۱۳۷۴).

۴. مطالعات انجام شده درباره تأثیرات رفتاری اطلاعات حسابداری

اطلاعات حسابداری از نظر محتوا و شکل می‌تواند بر تصمیم‌گیری فردی اثر داشته باشد. این موضوع گرچه واضح و به سادگی قابل قبول است اما می‌تواند به‌عنوان راهنمای مهمی برای یافتن راه‌های تحقیق درباره بهبود سیستم‌های حسابداری و گزارشگری به کار گرفته شود. به همین جهت مطالعات تحقیقی در این زمینه، شقوق مختلف مدل‌های گزارشگری و آیین‌های افشاگری را مورد بررسی قرار داده‌اند تا بتوانند انواع آن‌ها را از جنبه مربوط بودن و تأثیر بر رفتار مورد ارزیابی قرار دهند. در هر حال، از آنجا که یک چارچوب نظری عمومی عرضه نشده است، طبقه‌بندی این مطالعات دشوار است. گروهی از نویسندگان حسابداری (گیبین، سویرینگا، دیکمن) مطالعات و تحقیقات مربوط به تأثیرات رفتاری اطلاعات حسابداری را به پنج طبقه تقسیم نموده‌اند:

۱- کفایت افشا

۲- فایده‌مندی داده‌های صورت‌های مالی

۳- تلقی‌های مربوط به آیین‌های گزارشگری در سطح بنگاه

۴- قضاوت‌های راجع به اهمیت

۵- تأثیرات شقوق مختلف رویه‌های حسابداری بر تصمیم

در مطالعات انجام شده سه نگرش برای بررسی کفایت افشا به کار رفته بود: نگرش اول الگوهای استفاده از داده را از این زاویه مورد بررسی قرار می‌داد که مباحث بحث‌انگیز مربوط به لزوم شمول اطلاعات معین در افشاگری را حل نماید. نگرش دوم طرز برداشت و تلقی گروه‌های ذی‌نفع را مورد بررسی قرار می‌داد. نگرش سوم میزان افشای اقلام مختلف اطلاعاتی در گزارش‌های سالیانه و هم‌چنین عوامل مؤثر در ایجاد تفاوت‌های پر اهمیت میان شرکت‌های مختلف در مورد کفایت افشای مالی را مورد بررسی قرار می‌داد. تحقیقات انجام شده درباره کاربرد و کفایت افشا نشان می‌داد که:

۱- در مورد کفایت صورت‌های مالی موجود، توافق عمومی وجود دارد.

۲- در مورد این صورت‌های مالی تفاهم و درک عمومی وجود دارد.

۳- در مورد تفاوت‌های موجود در میان صورت‌های مالی در ارتباط با کفایت افشا این توافق ضمنی وجود دارد که تفاوت‌ها ناشی از متغیرهایی نظیر اندازه و سودآوری شرکت و اندازه و موقعیت مؤسسه حسابرسی است. دو نگرش برای بررسی فایده‌مندی داده‌های صورت‌های مالی مورد استفاده قرار گرفته بود: نگرش اول اهمیت نسبی اقلام اطلاعاتی مختلف را در تحلیل سرمایه‌گذاری، از نظر استفاده‌کنندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی، مورد بررسی قرار می‌داد. نگرش دوم مربوط بودن اطلاعات صورت‌های مالی در تصمیم‌گیری را مورد بررسی قرار می‌داد؛ به این صورت که امکان انتقال داده‌های صورت‌های مالی به استفاده‌کنندگان به‌طور اعم، از جنبه قابلیت خواندن و معنی داشتن، در یک کار آزمایشگاهی تجربه می‌گردید.

نتایج کلی این مطالعات دو موضوع را روشن می‌کند:

۱- بین استفاده‌کنندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی، در مورد اهمیت نسبی اقلام اطلاعاتی افشا شده در صورت‌های مالی، نوعی توافق عمومی وجود دارد.

۲- استفاده‌کنندگان برای اتخاذ تصمیم تنها بر صورت‌های مالی متکی نیستند.

دو نگرش برای بررسی تلقی‌های مربوط به آیین‌های گزارشگری در سطح بنگاه به کار رفته بود: نگرش اول برتری‌های شقوق مختلف تکنیک‌های حسابداری را مورد بررسی قرار می‌داد.

نگرش دوم تلقی‌های مربوط به مباحث کلی گزارشگری را مورد بررسی قرار می‌داد؛ مانند این که چه مقدار اطلاعات باید در دست باشد، چه مقدار اطلاعات در دست است، و اقلام معین، چه اهمیتی دارند. این تحقیقات نشان می‌داد که برخی از تکنیک‌های حسابداری پیشنهاد شده توسط مجامع معتبر، تا چه اندازه مورد قبول قرار گرفته‌اند و مشخص می‌کرد که چه تفاوت‌های بینشی درباره مباحث گزارشگری میان گروه‌های حرفه‌ای وجود دارد. دو نگرش برای بررسی قضاوت‌های راجع به اهمیت به کار رفته بود: نگرش اول عوامل اصلی تعیین‌کننده در جمع‌آوری، طبقه‌بندی و تلخیص داده‌های حسابداری را مورد بررسی قرار می‌داد. نگرش دوم بر این محور قرار داشت که اشخاص چه اقلامی را با اهمیت تلقی می‌کنند و در جستجوی آن بود که معین کند اختلاف در داده‌های حسابداری از کجا به بعد با اهمیت به حساب می‌آید. این مطالعات مشخص نمود که عوامل متعددی می‌توانند بر قضاوت‌های مربوط به اهمیت مؤثر باشند و این که قضاوت‌ها در میان اشخاص مختلف متفاوت است. سرانجام، تأثیرات شقوق مختلف رویه‌های حسابداری بر تصمیم، مورد بررسی قرار گرفت. این مطالعات مقدماتاً در زمینه استفاده از تکنیک‌های مختلف موجودی‌ها، اطلاعات سطح - قیمت و اطلاعات غیر حسابداری صورت گرفت.

نتایج مشخص نمود که شقوق مختلف تکنیک‌های حسابداری می‌تواند تصمیمات شخص را تحت تأثیر قرار دهد و دامنه تأثیر می‌تواند به ماهیت کار، خصوصیات استفاده‌کنندگان و ماهیت محیط آزمایشی بستگی داشته باشد (مکرمی، ۱۳۷۴).

۵. نقش استانداردگذاران در گزارش‌های مالی

اثر استانداردهای حسابداری بر گزارش‌های مالی زمانی روشن می‌شود که به تغییر در نتایج شرکت همانند نتیجه بکارگیری استانداردهای حسابداری که از قبل موجود بودند نگریسته شود. مثال خوبی از این مورد گزارش مالی ۱۹۹۳ دایملر - بنز است که یکی از اولین شرکت‌های آلمانی در فهرست شرکت‌های بورس نیویورک بود. دایملر - بنز نیز به همین منظور مجبور شد تا اطلاعات مالی را براساس ^۱US-GAAP افشا کند و زیان شرکت داچ آلمان (DM) را ۱٫۸ میلیارد نشان دهد. در همین سال، این شرکت سود ۶۱۵ میلیونی را براساس آئین‌نامه بازرگانی آلمان نشان داد (دوپنیک و پرا، ۲۰۱۵). این اختلاف به‌طور منطقی سبب ایجاد تردیدی در بین سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان شد و شاید در فشارهای ناشی از شرکت‌های چندملیتی، بازارهای بورس و ناظرین اوراق بهادار در جهت کاهش تنوع کلی شیوه‌های حسابداری نقش داشته است.

IASB نقشی کلیدی در این فرآیند ایفا می‌کند و تلاش می‌کند تا استانداردهای ملی حسابداری را با IFRS که از طریق فرآیند مشاوره بین‌المللی با ذی‌نفعان سراسر دنیا شکل گرفته است جایگزین کند (بنیان IFRS، ۲۰۱۳). هم‌چنین هدف از این فرآیند مناسب از بین بردن خصوصیت اختیاری بودن تصمیماتی است که IASB اتخاذ می‌کند (ارب و پلگر، ۲۰۱۵). با این حال، استانداردگذاری حسابداری فرآیندی سیاسی است و اعضای IASB ممکن است در مورد نظرشان در ارتباط با اصول حسابداری و استانداردهای مناسب حسابداری دچار سوگیری شوند.

در حقیقت، مقالات مدرک روشنی ارائه می‌دهند که مشارکت ذی‌نفعان در این فرآیند مقتضی با نتایج اقتصادی استانداردهای حسابداری تحریک می‌شود و هیأت‌های حرفه‌ای، شرکت‌ها، دولت‌ها و سایر ذی‌نفعان تلاش دارند تا با نوشتن نامه‌های توضیحی و تشکیل جلسات زیادی در مورد IASB مسیر و محتوای استانداردهای حسابداری را تحت تأثیر قرار دهند (مانند کووک و شارپ، ۲۰۰۵؛ لارسون، ۲۰۰۷؛ کورتس و ایروین، ۲۰۱۰؛ هانسن، ۲۰۱۱؛ گینر و آرس، ۲۰۱۲؛ کوسی و ریتز، ۲۰۱۴). به عبارتی دیگر، کسانی که استاندارد جدید پیشنهادی یا تغییر پیشنهادی در نظارت موجود بر آن‌ها اثر می‌گذارد، به‌طور محتمل IASB را ملزم می‌کنند تا طرح پیشنهادی قابل اعتراض را نپذیرد. گاهی ممکن است برای استاندارد‌گذار، بی‌طرف ماندن و حفظ استقلال از نفوذ گروه‌های فشار قدرتمند دشوار باشد که نمونه‌ای از آن با اصلاحیه‌ی IASB به IAS39 (ابزار مالی: شناخت و سنجش) پس از اعمال فشار EU روی IASB جهت حذف برخی بخش‌های بحث برانگیز دیده شد. در نتیجه، استانداردهای حسابداری ممکن است فضای مهمی برای مدیران گذارند تا در داده‌های گزارش مالی که به شکل مجموعه‌ای گسترده از گزینه‌های ضمنی واضح هستند که مدیران براساس آن‌ها توانایی انتخاب دارند نفوذ پیدا کنند.

در نهایت، مسئله پیچیده ترجمه IFRS باید مدنظر قرار گیرد. هرچند IFRS به زبان انگلیسی منتشر شده است، اغلب به زبان داخلی یک کشور بیان می‌گردد که ممکن است زبانی به جز انگلیسی باشد. به‌طور مثال فرآیند تأیید در EU نیازمند ترجمه IFRS از انگلیسی به ۲۲ زبان رسمی دیگر است که همه آن‌ها اعتبار قانونی یکسانی دارند. نیهوس (۲۰۰۵)، هلمان و همکاران (۲۰۱۰) و دالگرن و نیلسون (۲۰۱۲) مثال‌های متعددی از اشتباهات ترجمه را ارائه می‌کنند که ممکن است سبب ایجاد مشکلاتی در کاربرد دائم IFRS شود که این امر نیز به ایجاد شیوه‌های مختلف حسابداری در کشورها منجر می‌شود.

۶. نقش تهیه‌کنندگان گزارش مالی

IFRS، اصل محور است و مستلزم بکارگیری قضاوت‌های حرفه‌ای گسترده است. درحقیقت، IASB به واژه «رجحان محتوا بر شکل» اشاره می‌کند تا اهمیت قضاوت‌های مهندسی را برای تفسیر و بکارگیری IFRS پررنگ‌تر کند. این مفهوم حسابداران را ملزم می‌کند تا عوض شکل قانونی یک تراکنش تجاری بر اصل اقتصادی آن تمرکز کنند. به‌طور مثال، قضاوت‌های حرفه‌ای در صورتی نیازند که لازم باشد روابط احتمال تفسیر شوند، آستانه‌های اهمیت ارزیابی شوند و گزینه‌های سیاست خاص حسابداری انتخاب شوند. روابط احتمال، ویژگی مهمی از استانداردهای اصل محوری مانند IFRS هستند و برای شناخت، سنجش و افشای اقلام (اطلاعات) کاربرد گسترده‌ای دارند. به‌طور مثال، IAS18 (در خصوص شناخت درآمد) الزام می‌کند که درآمد «زمانی مشخص شود که احتمال این وجود دارد که مزایای اقتصادی مرتبط با رویداد مالی به بنگاه اقتصادی جریان پیدا کنند».

ضمن این‌که، مدرک روشنی وجود دارد که حسابداران کشورهای مختلف روابط احتمالی را به شیوه‌ای متفاوت تفسیر می‌کنند. به‌طور مثال، دوپنیک و ریشر (۲۰۰۴) امکان تفسیر متفاوت واژه فنی رایجی را در کشورها بررسی کردند و دریافتند که حسابداران آلمانی، روابط احتمال را نسبت به طرفین مقابل‌شان در ایالات متحده به‌شکلی محافظ‌کارانه‌تر تفسیر می‌کنند. هلمان و همکاران (۲۰۱۰) می‌گویند که تمایل حسابداران آلمانی برای خودداری از ریسک ممکن است دلیل این موضوع باشد زیرا این امر ممکن است سبب شود که قضاوت‌های حرفه‌ای در آلمان به‌طور محافظ‌کارانه‌تری

بکار روند. این موضوع به این اشاره دارد که سابقه فرهنگی حسابداران بر تفسیر روابط احتمال مؤثر است که ممکن است ثبات در تفسیر و بکارگیری IFRS در کشورها را نتیجه دهد. در واقع، فرهنگ در مقالات عاملی شناخته شده است که بر قضاوت و تصمیم‌گیری حسابداران حرفه‌ای و محیط حسابداری یک کشور برای بیش از ۳۰ سال اثرگذار است (گری، ۱۹۸۸؛ پیرا، ۱۹۸۹؛ گرنون و والاس، ۱۹۹۵). افزون بر فرهنگ، سایر خصوصیات فردی مهم از جمله توانایی‌ها، انگیزه، اطمینان، سبک شناختی و جنسیت می‌توانند بر کیفیت قضاوت‌های حرفه‌ای اثرگذار باشند.

صورت متغیر گزارش‌های سالیانه که به واسطه افزایش حجیم در ابعاد گزارش‌های سالیانه دیده شده است، اهمیت فزاینده اطلاعات گزارش شده را منعکس می‌کند. علاوه بر این، اطلاعات مالی روز به روز بیشتر به صورت تصاویر و گراف‌ها ارائه می‌شوند و گزارش‌های سالیانه، عناصر طراحی همانند سرفصل‌ها را دربردارند (بیتی و جونز، ۲۰۰۸) که ممکن است بر شکل‌گیری قضاوت‌ها مؤثر باشند، زیرا برجستگی ظاهری قالب‌های گرافیکی می‌تواند مورد توجه قرار گرفته و روش کسب اطلاعات را مجدد به فرد راهنمایی کند (بروس و تسوتسوس، ۲۰۰۹). برخلاف اقدامات نظارتی که تا حد زیادی با اطلاعات کمی در ارتباطند، تأکید نظارتی کم‌تری روی ضمیمه کردن اطلاعات گزارش شده بوده است. در واقع، تشخیص این است که محتوا و شکل گزارشات پیوست که ضمیمه صورت‌های مالی می‌شوند به صلاحدید مدیریت وابسته‌اند (IASB، ۲۰۱۰). نبود نظارت در مورد اطلاعات گزارشگری مالی و عناصر آن می‌تواند مدیریت را قادر سازد تا به شکلی فرصت‌طلبانه از طریق افشا و ارائه استراتژیک در مدیریت اثرگذار باشد. در نتیجه، مدیریت ممکن است بتواند بر عملکردهای مطلوب تأکید بیشتری کند و عملکردهای نامطلوبی را که در بخش گزارش‌های مالی فوق نظارت شده نشان داده شده‌اند پنهان کند. به طور مثال، تأکید بیشتر بر نتایج مثبت یک استراتژی مدیریت تأثیرگذاری است که غالباً دستاوردهای شرکت را یادآوری می‌کند تا مدیریت با بهترین آگاهی ممکن یا مطابق با معیار یا انتظارات آماده شود (مرکل داویس و برنان، ۲۰۱۱).

کلاتورثی و جونز (۲۰۰۳) با اثبات این که بخش زیادی از گزارش ریاست شرکت‌های انگلیسی فهرست شده به اطلاع‌رسانی اخبار مثبت اختصاص می‌یابد مدرکی برای این شیوه ارائه می‌کنند. این موضوع به واسطه گزارش‌دهی مالی برخط در وب سایت‌های شرکت‌ها روزبه‌روز مهم‌تر می‌شود. شرکت‌ها با بهره‌گیری از توان احساسی عناصری همانند طراحی، رنگ و موسیقی در متن امکانات چندبعدی اینترنت می‌توانند توان بسیار بیشتری برای تأثیرگذاری بر افراد تصمیم‌گیرنده نسبت به قالب دوبعدی گزارش‌های سالیانه سنتی پیدا کنند.

۷. نقش حسابرسان مالی و هیأت‌های اجرایی

حسابرسی در اصل فرآیندی قضاوتی است زیرا حسابرسان قضاوت‌های حرفه‌ای‌شان را در جهت حصول اطمینان کلی در مورد گزارش‌های مالی یک شرکت به کار می‌گیرند. همین‌طور، کیفیت قضاوت‌های حسابرس ممکن است تحت تأثیر خصوصیات شخصی قرار گیرد. گول و همکارانش (۲۰۱۳) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که کیفیت حسابرسی در حسابرسان مختلف متغیر است. عوامل مؤثر بر قضاوت‌ها و تصمیمات در حسابرسی، فرهنگ، دانش و مهارت حسابرس، تعهد سازمانی و حرفه‌ای و محدودیت‌های شناختی هستند^۱. زمانی که حسابرسان تحت فشار زمانی

۱. برای مطالعه بیشتر مقاله نلسون و تان (۲۰۰۵) را به عنوان یک مقاله مروری مشاهده نمایید.

زیادی به‌ویژه در حین حسابرسی پایان سال فعالیت می‌کنند، کشفیات و تمایلات ممکن است بر قضاوت حسابرسان اثر گذارد. اضافه بر این، تعامل بین حسابرس و سایر ذی‌نفعان همانند مشتریان و همکاران در انجام وظیفه ممکن است بر نظر حسابرس در ارتباط گزارش‌های مالی مؤثر باشد (نلسون و تان، ۲۰۰۵). در صورتی که حسابرسان و شرکت‌ها تحت نظارت ضعیفی قرار گیرند یا محیط نظارتی در کشوری خاص نسبتاً ضعیف باشد، احتمال این وجود دارد که اجراهای ناسازگار و متفاوتی در خصوص IFRS رخ دهند (نویس، ۲۰۱۳). به‌طور مثال، پودل و همکارانش (۲۰۱۴) بر این تأکید می‌ورزند که هیأت نظارتی نسبتاً ضعیف در کشور نپال، تنها عاملی است که سبب بکارگیری ناهماهنگ IFRS در این کشور می‌شود.

۸. نتیجه‌گیری

ما در این مقاله به اهمیت نیاز به رسیدگی کافی به جوانب رفتاری حسابداری از فرآیند شکل‌گیری تا به‌کارگیری اطلاعات پرداخته‌ایم. این مسئله به این سبب حائز اهمیت است که تحقیق رفتاری درمورد تصمیمات سرمایه‌گذاری اغلب تنها بر جوانب انسانی سرمایه‌گذاران و ذی‌نفعان ذی‌ربط تمرکز دارد. با این حال، اطلاعاتی که سرمایه‌گذاران و مشارکت‌کنندگان در بازارهای سرمایه برای اتخاذ تصمیمات اقتصادی به کار می‌گیرند توسط حسابداران تهیه می‌شوند که با تفسیر و بکارگیری استانداردهای حسابداری از قضاوت‌های حرفه‌ای‌شان بهره می‌گیرند. این استانداردها به وسیله استانداردگذاری در فرآیند سیاسی ایجاد شده و توسط حسابداران تفسیر و به کار گرفته می‌شوند. درنهایت، گزارش‌های مالی باید توسط حسابرسان تفسیر و توسط هیأت‌های اجرایی نظارت شوند. همین‌طور، مسائل رفتاری می‌توانند در این سه بُعد بوجود آیند: (۱) استانداردگذاری، (۲) تهیه گزارش‌های مالی و (۳) حسابرسی و اجرا.

همان‌طور که بیان شد اثر استانداردهای حسابداری بر گزارش‌های مالی زمانی روشن می‌شود که به تغییر در نتایج شرکت همانند نتیجه بکارگیری استانداردهای حسابداری که از قبل موجود بودند نگریسته شود؛ با این حال، استانداردگذاری حسابداری فرآیندی سیاسی است و اعضای IASB ممکن است در مورد نظرشان در ارتباط با اصول حسابداری و استانداردهای مناسب حسابداری دچار سوگیری شوند. کسانی که استاندارد جدید پیشنهادی یا تغییر پیشنهادی در نظارت موجود بر آن‌ها اثر می‌گذارد، بطور محتمل IASB را ملزم می‌کنند تا طرح پیشنهادی قابل اعتراض را نپذیرد. گاهی ممکن است برای استانداردگذار، بی‌طرف ماندن و حفظ استقلال، از نفوذ گروه‌های فشار قدرتمند دشوار باشد. بیان گردید که IFRS، اصل محور است و مستلزم بکارگیری قضاوت‌های حرفه‌ای گسترده است. IASB به رجحان محتوا بر شکل اشاره می‌کند تا اهمیت قضاوت‌های محاسباتی را برای تفسیر و بکارگیری IFRS پررنگ‌تر کند. این مفهوم حسابداران را ملزم می‌کند تا عوض شکل قانونی یک تراکنش تجاری بر اصل اقتصادی آن تمرکز کنند. در زمینه حسابرسی بیان شد که حسابرسی در اصل فرآیندی قضاوتی است، زیرا حسابرسان قضاوت‌های حرفه‌ای‌شان را در جهت حصول اطمینان کلی در مورد گزارش‌های مالی یک شرکت به کار می‌گیرند. همین‌طور، کیفیت قضاوت‌های حسابرس ممکن است تحت تأثیر خصوصیات شخصی قرار گیرد. زمانی که حسابرسان تحت فشار زمانی زیادی به‌ویژه در حین حسابرسی در پایان سال هستند، کشفیات و تمایلات ممکن است بر قضاوت حسابرسان اثر گذارد.

۱. سعیدی، علی (۱۳۸۶). مالی رفتاری، اقتصاد. بورس، شماره ۶۹، صص ۹-۴.
۲. مکرمی، یداله (۱۳۷۴). نگرش رفتاری در ایجاد تئوری حسابداری. فصلنامه علمی پژوهشی بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال سوم، شماره ۱۲ و ۱۳، صص ۱۰۹-۱۰۶.
3. Beattie, V. & Jones, M.J. (2008). Corporate reporting using graphs: A review and synthesis. *Journal of Accounting Literature*, 27(1), 71-110.
4. Bruce, N.D.B. & Tsotsos, J.K. (2009). Saliency, attention, and visual search: An information theoretic approach. *Journal of Vision*, 9(3), 1-24.
5. Clatworthy, M. & Jones, M.J. (2003). Financial reporting of good news and bad news: Evidence from accounting narratives. *Accounting and Business Research*, 33(3), 177-185.
6. Cortese, C. & Irvine, H. (2010). Investigating international accounting standard setting: The black box of IFRS 6. *Research in Accounting Regulation*, 22(1), 87-95.
7. Dahlgren, J. & Nilsson, S.A. (2012). Can translations achieve comparability? The case of translating IFRSs into Swedish. *Accounting in Europe*, 9(1), 39-59.
8. De Bond, W. (2005). *The psychology of world equity markets*. Edward Elgar: Cheltenham
9. Douppnik, T.S. & Richter, M. (2015). *International Accounting*. 4th edition, McGraw-Hill: New York.
9. Douppnik, T.S. & Richter, M. (2003). Interpretation of uncertainty expressions: a cross national study. *Accounting, Organizations and Society*, 28(1), 15-35.
10. Douppnik, T.S. & Richter, M. (2004). The impact of culture on the interpretation of "in text" verbal probability expressions. *Journal of International Accounting Research*, 3(1), 1-20.
11. Douppnik, T.S. & Tsakumis, G.T. (2004). A critical review of tests of Gray's theory of cultural relevance and suggestions for future research. *Journal of Accounting Literature*, 23, 1-48.
12. Erb, C. & Pelger, C. (2015). Twisting words? A study of the construction and reconstruction of reliability in financial reporting standard-setting. *Accounting, Organizations and Society*, 40 (1), 13-40.
13. Gernon, H. & Wallace, R.S.C. (1995). International Accounting Research: A review of its ecology, contending theories and methodologies. *Journal of Accounting Literature*, 14(1), 54-106.
14. Giner, B. & Arce, M. (2012). Lobbying on accounting standards: Evidence from IFRS 2 on share-based payments. *European Accounting Review*, 21(4), 655-691.
15. Gray, S.J. (1988). Towards a theory of cultural influence on the development of accounting systems internationally. *Abacus*, 24(1), 1-15.
16. Gul, F.A., Wu, D. & Yang, Z. (2013). Do individual auditors affect audit quality? Evidence from archival data. *Accounting Review*, 88(6), 1993-2023.
17. Hansen, T.B. (2011). Lobbying of the IASB: An empirical investigation. *Journal of International Accounting Research*, 10(2), 57-75.
18. Hellmann, A., Perera, H. & Patel, C. (2010). Contextual issues of the convergence of International Financial Reporting Standards: The case of Germany. *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting*, 26(1), 108-116.
19. IASB (2010). *IFRS Practice Statement Management Commentary*, International Accounting Standards Board: London.
20. IFRS Foundation (2013). *Due Process Handbook*, http://www.ifrs.org/DPOC/Documents/2013/Due_Process_Handbook_Resupply_28_Feb_2013_WEBSITE.pdf
21. Kosi, U. & Reither, A. (2014). Determinants of corporate participation in the IFRS 4 (Insurance Contracts) replacement process. *Accounting in Europe*, 11(1), 89-112.

22. Kwok, W.C.C. & Sharp, D. (2005). Power and international accounting standard setting: Evidence from segment reporting and intangible assets projects. *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, 18(1), 74-99.
23. Larson, R.K. (2007). Constituent Participation and the IASB's International Financial Reporting Interpretations Committee. *Accounting in Europe*, 4(2), 207-254.
24. Merkl-Davis, D.M. & Brennan, N.M. (2011). A conceptual framework of impression management: New insights from psychology, sociology and critical perspectives. *Accounting and Business Research*, 41(5), 415-437.
25. Nelson, M. & Tan, H.T. (2005). Judgment and decision making research in auditing: A task, person, and interpersonal interaction perspective. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 24 (supplement), 41-71.
26. Niehus, R.J. (2005). Die IFRS auf Deutsch, Fehler und Unzulänglichkeiten der Übersetzung. *Der Betrieb*, 58(46), 2477-2483.
27. Nobes, C. (2013). The continued survival of international differences under IFRS. *Accounting and Business Research*, 43(2), 83-111.
28. Perera, H. (1989). Towards a framework to analyze the impact of culture on accounting. *International Journal of Accounting*, 24(1), 42-56.
29. Poudel, G., Hellmann, A. & Perera, H. (2014). The adoption of International Financial Reporting Standards in a non-colonized developing country: The case of Nepal. *Advances in Accounting*, 30(1), 209-216.
30. Thaler, R.H. (1999). The end of behavioral finance. *Financial analysts journal*, 55(6), 12-17.